

زیبت روشن

داستانک های از زندگی سیداشهداء به روایت اهل سنت

محمود سوری

www.ketab.ir

www.ketab.ir

فهرست

۱۳	مقدمه
۱۷	بخش اول: سبزترین حیات
۱۸	فصل اول: فرزند مهر و ماه
۱۹	تعبیر رؤیا
۲۱	نام زیبایی حسین
۲۳	نامی از آسمان
۲۵	بانگ الاهی
۲۷	هم‌سنگ موی حسین
۲۹	گریه‌ی حسین

- ۳۱..... زخم کن تا زخم شوی.....
- ۳۳..... خدایا! من حسین را دوست می دارم.....
- ۳۵..... سوار خوب؛ مرکب بهتر.....
- ۳۷..... ماه بر خورشید.....
- ۳۹..... صدقه.....
- ۴۱..... برقی از آسمان.....
- ۴۳..... من، او؛ او، من.....
- ۴۵..... دوست دار حسین.....
- ۴۷..... از پاکان قبار رسول.....
- ۴۹..... مرکب.....
- ۵۱..... شیربج.....
- ۵۳..... منبر پدرم.....
- ۵۶..... فصل دوم: آن اسوهی عاشقان سرور.....
- ۵۷..... حسین، زادهی رسول.....
- ۶۱..... شبیه محمد ﷺ.....
- ۶۳..... آقای جوانان بهشت.....
- ۶۵..... محبوب آسمانیان ۱.....
- ۶۷..... محبوب آسمانیان ۲.....
- ۶۹..... بنده.....
- ۷۱..... دل شب.....
- ۷۳..... غریبهی دل نشین.....
- ۷۵..... دوستی چون تو.....
- ۷۷..... لباس آتشین.....
- ۷۹..... رضایت.....
- ۸۱..... یقین و ایمان.....
- ۸۳..... شاهد و مشهود.....

۸۷	مردم‌شناخت
۸۹	خانه‌ی عمل
۹۱	سِنُور
۹۳	وَصَلت
۹۵	سلام پیامبر
۹۸	فصل سوم: دست خدا در آستین
۹۹	توکل
۱۰۱	مهمان
۱۰۳	شما از من کریم‌ترید
۱۰۵	سخاوت‌مندان
۱۰۹	آداب تجارت
۱۱۱	شجاعت و گذشت
۱۱۳	نیازمند زیرک
۱۱۵	دسته‌گل آزادی
۱۱۷	عقیق
۱۱۹	دیه
۱۲۳	جبران محبت
۱۲۵	گرم واقعی
۱۲۷	معدن سخاوت
۱۲۹	حفظ آبرو
۱۳۱	باران رحمت
۱۳۳	برکت حسین
۱۳۵	شفاخواهی بزرگ عارفان بغداد
۱۳۷	بخش دوم: سرخ‌ترین شهادت
۱۳۸	فصل اول: غروب خورشید

۱۳۹	کشته‌ی کنار رود فرات
۱۴۱	بدعهدان
۱۴۳	این پسرِ علی
۱۴۵	پشیمان
۱۴۷	خدای مُنتقم
۱۴۹	چه باک از مرگ؟!
۱۵۱	نامه
۱۵۳	امان نامه ۱
۱۵۵	امان نامه ۲
۱۵۷	پشت‌پا
۱۵۹	شبِ آخر مردانِ حسین
۱۶۱	آن مرد اسدی
۱۶۳	تیرانداز
۱۶۵	عمل به دستور
۱۶۷	آخرین نماز حسین
۱۶۹	زخم اول
۱۷۱	خیابات
۱۷۳	خواری مرگ
۱۷۵	آغوش دریایی
۱۷۷	طلب
۱۷۹	ظرف آب
۱۸۱	خون خدا
۱۸۳	سگ سیاه و سفید
۱۸۵	اشک تمساح
۱۸۷	مُرگ زاده
۱۸۹	عروج

۱۹۱	زیارت
۱۹۳	درست مثل علی
۱۹۵	داغ تنگ
۱۹۷	دست‌آزپادرازتر
۱۹۹	لات‌های کوچی خلوت
۲۰۱	وداع
۲۰۳	کفن بر جسم صدچاک
۲۰۶	فصل دوم: قصه‌ی ما به «سر» رسید
۲۰۷	شاهد شهادت
۲۰۹	خون حسین و یاران
۲۱۱	هم‌پای بدریان
۲۱۳	آسمان، خون‌گریه کن
۲۱۵	اعتراف
۲۱۷	خون تازه
۲۱۹	پیک
۲۲۱	سوز دل مادر
۲۲۳	پسران عبدالله
۲۲۵	شفاعت جدّ حسین
۲۲۷	بهشت را به چشم نخواهی دید
۲۲۹	کابوس
۲۳۱	شبیّه جدّش مصطفی
۲۳۳	بردگان
۲۳۵	توبه
۲۳۷	خادم اهل بیت
۲۴۱	شگفت‌تر از ماجرای اصحاب کهف
۲۴۳	نفرین بر شمایان

مقدمه

کتابی که در دست دارید، مجموعه داستانک‌هایی است درباره حجّت حق، حضرت حسین بن علی بن ابی طالب، آقای شهیدان همیشه‌ی تاریخ و شهید سعید دشت کربلا، به روایت منابع کهن اهل سنت. داستانکی که این قلم منظور دارد، خیلی کوتاه است، بین صد تا سیصد واژه؛ و تلاشی نویسنده بر آن بوده تا قصّه را با حداقل واژه‌ها و بدون شاخ‌وبرگ اضافه ارائه دهد.

حال و هوای کلی داستانک‌ها، همان است که در تاریخ نقل شده؛ یعنی در سخنان معصومان علیهم‌السلام دَخل و تصرفی صورت نگرفته است و کوشیده‌ام در نحوه‌ی داستان‌پردازی نیز، کمال احتیاط را رعایت کنم تا خدای ناکرده، گردی بر دامان پاک و زلال اهل بیت علیهم‌السلام ننشیند، ولی به هرروی، داستان‌پردازی و جان‌بخشی به شخصیت‌ها و آفرینش فضای داستانک، اثر قلم قصّه‌نویس است؛ لذا در بخش «شناخت‌نامه‌ی گسان» درباره‌ی تمامی عَلم‌ها و شخصیت‌های تاریخی که در داستانک‌ها آمده - به استثنای حضرات معصوم علیهم‌السلام که در آسمان‌ها و زمین

معروف همگان هستند - توضیحاتی آورده‌ام. پس اگر شخصیتی بی‌نام‌ونشان در داستانک‌ها هست که توضیحی درباره او ارائه نکرده‌ام، زاینده‌ی خیال قصه‌پرداز است یا دست‌کم، در تاریخ هم نام‌ونشانی از او موجود نیست.

در این داستانک‌ها، کوشیده‌ام از قدیم‌ترین منابع اهل سنت، روایاتی برگزینم که یا خود داستانی در دل داشته‌اند یا ظرفیت داستان‌پردازی داشته‌اند. از این رو، از بیش از ۱۲۰ داستانک این مجموعه، نزدیک به دوسوم آن از منابع قرن‌های سوم و چهارم هجری (بین سال‌های ۲۰۰ تا ۴۰۰ ق) نقل شده است. خواننده‌ی محترم توجه دارد که قرن‌های سوم و چهارم، عصر حضور امامان اهل بیت علیهم‌السلام و دوران غیبت صغری جان جهان، مهدی صاحب‌الزمان رحمه‌الله و سال‌های ابتدایی غیبت کبری ایشان را دربرمی‌گیرد، و البته به عصر زندگی سیدالشهدا علیه‌السلام نزدیک است، و این نشان می‌دهد ماجرای زندگی امام حسین علیه‌السلام و به‌ویژه حادثه‌ی جان‌سوز عاشورای اباعبدالله علیه‌السلام حادثه‌ای کم‌اهمیت تلقی نشده، بلکه رویدادی قابل‌توجه برای تاریخ‌نگاران و مقتل‌پردازان سنی مذهب بوده است که به این تفصیل و دقت بدان پرداخته‌اند.

بخش‌بندی و فصل‌بندی کتاب هم چندین بار دست‌خوش تغییر شد تا آن‌که نسخه‌ی نهایی آن، در دو بخش تدوین گردید. بخش نخست با عنوان «سب‌ترین حیات» سه فصل دارد: عنوان فصل اول، «فرزند مهر و ماه» است برگرفته از سخن اباعبدالله علیه‌السلام که در شعری منسوب به ایشان، پدر ارجمندش را «خورشید» و مادر گرامی‌اش را «ماه» خواند و فرمود: «وَلَبَّيْ سَمْسٌ وَأُمِّي قَمَرٌ». این فصل به داستان تولد و دوران کودکی امام حسین علیه‌السلام پرداخته است. فصل دوم با عنوان «آن

اسوهی عاشقان سَرَمست» به داستان‌هایی از سلوک معنوی و گفته‌های ارزشمند سیدالشهداء علیه السلام نظر دارد. فصل سوم با عنوان «دست خدا در آستین» به سیره ی رفتاری و اجتماعی امام حسین علیه السلام در برخورد با مردمان روزگار خویش و گرم‌ها و کرامت‌های آن اسوهی همیشه‌ی تاریخ پرداخته است که خود در سخنی گران‌مایه فرمود: **«لَكُنْ فِي أَسْوَةٍ؛ مِنْ بَرَايَ شِمَا سَرَمَشَقَم.»**

بخش دوم با عنوان «سرخ‌ترین شهادت» سه فصل دارد: فصل اول با عنوان «غروب خورشید» ابتدا به پیش‌بینی شهادت فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یاران شهیدش از سال‌های قبل پرداخته و بعد ماجرای روزهای منتهی به حماسه‌ی عاشورا را بررسی کرده است و با شهادت سیدالشهداء علیه السلام پایان می‌یابد. عنوان فصل دوم، «قصه‌ی ما به سر رسید» است که به باقی‌مانده شهادت شهدای سرزمین کربلا و داستان‌های شگفت سر مبارک آن حضرت اشاره دارد. فصل پایانی کتاب هم با عنوان «فَرَجَم قاتلان» به سرانجام بدعهدان و ستمگرانی پرداخته است که پسر فاطمه علیها السلام را به مسلخ عشق بُردند و به نامردی سر از تنش جدا کردند و بدمشانزه کردند آن چه قلم از بیان آن شرمگین می‌شود.

ساختن و پرداختن این کتاب، آدای دینی بود برای صاحب این قلم؛ چرا که سال‌ها پیش که هنوز در ابتدای طلبگی و آشنایی با ادبیات و قصه و ویرایش و... بودم، یک بار به ذهنم رسید که اگر بعدها قلمم را در نوشته‌ای یا کتابی به خدمت سالار شهدا و ارباب بی‌سَر دشت کربلا درآورم، پسند سیدالشهداء علیه السلام چه خواهد بود و آیا خدمتی اندک به آستان مبارک حضرت محسوب خواهد شد؟ آن روزها همیشه دیوان حافظی همراه داشتم و نتیجه‌ی تفأل به آن، غزل خواجه‌ی شیراز شد با این مطلع دل‌انگیز و مناسب حال:

غلام نرگس مست تو تاجداران اند خراب باده‌ی لعل تو هوشیاران اند
 اما از حسین علیه السلام نوشتن، هم سهل است و هم مُمتنع. سهل است؛ چون
 حسین، خورشید است و مهر عالم آرا، خودی و غیرخودی و آشنا و غریبه
 نمی‌شناسد. به همه می‌نگرد و پرتوی نورش را از کسی دریغ نمی‌دارد و گرمای
 وجودش فراگیر است؛ گویا قلم هم در راه حسین علیه السلام راحت می‌نویسد و
 حال خوشی دارد. اما از عزیز زهرا علیها السلام نوشتن، مُمتنع هم هست؛ چون توصیف
 آن دریای معرفت و عشق و ایثار، در کفِ هر بی‌مقدار قلم شکسته‌ای مقدور
 نیست و آنچه ما تلاش می‌کنیم و فراهم می‌آوریم، به حقیقت، پیشکش ران
 ملخ به درگاه حضرت آریاب است که امیدوارم مقبول حضرتش قرار گیرد و
 مشمول دست نوازشگر بنده‌نوازشش قرار گیریم.

نهایت امر آن‌که، از همه‌ی دوستان و گرامیانی که به نحوی در پیدایش این
 کتاب نقش داشته‌اند و از همان ابتدا با خواندن داستانک‌ها یا گوش فرادادن
 به آن‌ها و نقد و راهنمایی‌های دل‌سوزانه، نویسنده را کامی به جلو هدایت
 کرده‌اند، کمال تشکر را دارم؛ برادر عزیزم محمد، و دوست گرامی ام سعید
 مهدیان، و دو نوجوان دوست داشتنی: محمد عرفان و مهدی، و حجت الاسلام
 سید مجید پورطباطبائی، و حجت الاسلام علی اکبر صمدی، و سرکار خانم
 مهدیه‌ی هادی، و سرور نادیده‌ام احمد نوری. البته در این میان، قدردان زحمات
 همسر فداکار و نیز دختر مهربانم، نازنین زهرا‌ی عزیز هم هستم که همواره
 نخستین شنونده‌ی نوشته‌های من‌اند.

والْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ